###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**تاريخ روم و دوران پادشاهی روم، ارتش و هنر معماری روم، آغاز انقلاب و در نهایت سقوط روم**

**استاد راهنما:**

**دانشجو:**

# فهرست مطالب

**مقدمه**

موقعيت جغرافيايي ايتاليا

ساكنين نخستين ايتاليا

-ليگورها

-ايتاليت ها

-لاتين ها

-اتروسكها

-يونانيها

دوره پادشاهي روم

-سلطنت رومولوس

-سلطنت نوماپومپيلوس

-سلطنت تولوس هستيليوس وآنكوس مارتيوس

-سلطنت اتروسكها

-طرز حكومت پادشاه

دوره جمهوري روم

مجلس سنا

مجلس كوميتا كنتورياها

مجلس كونيكيلينام پله بيس

الواح دوازده گانه

توسعه اوليه روم

ارتش روم در دوره جمهوري

جنگهاي روم و كارتاژ(پونيك

فتح و توسعه

هنر ومعماري در دوران جمهوري روم

روشن تدفين

آغاز انقلاب در روم

-تيبريوس

-گايوس

-ماريوس

-سولا

-پومپيوس وكراسوس

-قيام اسپارتاكوس

1. ژوليوس سزار

امپراطوري روم

حكومت اوگستوس

هنر وادبيات در عصر آگوست

سلسله ژوليوس وكلوديوس

-تيبريوس

-كاليگولا

-لكوديوس

-نرون

سلسله فلاويوس

-وسپاسيانوس

-تيتوس

-دوميتيانوس

حكومت آنتونين ها

-نروا

-تراژان

-هادرين

-آنترنين

-مارك ارل

-كمد

اجتماع رومي

بردگي

هنر ومعماري در دوران امپراطوري روم

-حمامها

-سيرك

-آمفي تئاتر

-طاق نصرت

-ستون يادبود تراژان

-معبد پانتئون

-مجسمه هاي رومي

-فرسكها

-باسيليكاي اولپيا

-بمبئي

-تيمگاد

-خانه هاي رومي

-انحطاط وسقوط امپراطوري روم

-نتيجه گيري

فهرست منابع

**مقدمه:**

تاريخ همواره شاهد ويژگيهاي منحصر به فرد ملل و اقوام بزرگ بوده است.هر يك از اين اقوام نسبت به جهان اطرافش وارتباطش با اين جهان به نگرش هاي خاص خويش دست يافته است.براي مثال ،يونانيان باستان مبتكران وخالقان بزرگي بودند. آنها به ارزش فردي انسان اعتقادي عميق داشتند وهمواره حامي آزادي بيان فردي بودند؛ به زيبايي نيز عشق مي ورزيدند، زيبايي اي كه در جاي جاي طبيعت رد و نشانش را مي ديدند. يونانيان خلاقيت فردي خويش را با عشقشان به زيبايي ادغام مي كردند و در عرصه هنر،مجسمه سازي، معماري وادبيات آثار بديع وبا شكوهي پديد آوردند. قابليت واستعداد خاصي كه در ان زمان به شالوده ماهيت ملي يونانيان شكل مي داد، روح خلاق ايشان بود.

از ديگر سو، رومي ها در عرصه فرهنگ،دستاوردهاي بديع چنداني نداشتند.اديت هميلتون[[1]](#footnote-1) مورخ نوشته است :«مردم روم طبع شعر قوي نداشتند. قابليت وخلاقيت طبيعي آنها سنخيتي با بيان هنري نداشت»(ناردو، 1383،ص9)

نبوغ يونانيان درفراست و خلاقيت آنان متظاهر مي شد. لكن رومي ها سربازان كارآمد، قانونگذار كاردان وحكمرانان موفق بودند.آنها مي دانستند چگونه مي توان بر ديگران پيروز شد وبر ملتهاي ديگر حكم راند. زماني كه امپراطوري روم به اوج ترقي خودرسيد، دنياي اطراف مديترانه بر بركت صلح وقانون ونظم آگاه گشت.

ميليونها انسان از كشورهاي دوردست وتبارهاي گوناگون از اينكه مي توانستند خود را شهروند روم به اوج ترقي خودئ رسيد، دنياي اطراف مديترانه بر بركت صلح و قانون ونظم آگاه گشت.

ميليونها انسان از كشورهاي دوردست وتبارهاي گوناگون از اينكه مي توانستند خود را شهروند روم بخوانند، مباهات مي كردند.(پري ،1377،ص 96)

رومي ها فرد را بيش از رومي آزاد ورها، بخشي از چيزي عظيم تر ومهم تر، يعني جامعه، قلمداد مي كردند. در روم فرد، هميشه تابع نظم بود،حكومت روم نيز براساس قوانيني منصفانه، ثابت ومحافظه كارانه اداره ميشد. رومي ها كه بيش از بيان شخصي ارزش قائل بودند. از ديد آنها،ارزش كارايي به مراتب بيش از خلاقيت بود، به همين دليل روم هنرمندان ونويسندگان زيادي به جهان عرضه نكرده است.

با اين همه، روميان دستاوردهاي فرهنگي باشكوهي داشتند. آنها همواره بي نظرترين ابعادتمدن هايي را كه با آنها روبرو مي شدند، اخذ و اقتباس مي كردند.سالوست[[2]](#footnote-2)،مورخ رومي، در اين باره مي نويسد:«آنها هر آنچه در ميان متحدان و دشمنان خويش مناسب مي يافتند، اقتباس مي كردند و با شوق فراوان در وطن خويش به كار مي گرفتند و ترجيح مي دادند كه به جاي حسادت به اقوام موفق، از ايشان تقليد كنند»(ناردو،1383،ص10)

اما رومي ها مقلدان صرف نيز نبودند.آنها به موثرترين نحو ممكن از ابداعات و ايده هاي ملل ديگر براي رفع نيازهاي خويش استفاده مي كردند. زماني هنر روي را صرفا سقوط هنر يوناني مي دانستند، اما اين ديدگاه به ويژه در مورد معماري رومي دوامي نيافت. حتي در طي دوره جمهوري وقتي از فرمهاي يوناني استفاده شد،ازآنها با اسلوب وسبك جديدي از الگوي سايه روشنها و ارتباط بين فضاهاي صلب و مجوف استفاده شد.(گشايش، 1384،ص 53)

در زمينه معماري سبك معماري رومي بويژه در زمينه ساختن معابد، حمامها، تئاترها،آمفي تئاترها، طلاق نصرتها وستونهاي عظيم مورد تقليد يونانيان بوده است، اما به طور كلي طلاق نصرتهاي رومي داراي خصايص ويژه اي مي باشند كه كاملا بديع هستند.(مانند طلاق نصرت تيتوس كه با نقش برجسته هاي پرارزشي تزئين گسته و ويران شدن بيت المقدس را در سال 70 م نشان مي دهد.)

تفاوت ديگري كه كاملا مشهود است ساختن گنبد مي باشد كه نزد و ميان معمول بوده و يونانيان تقريبا از آن بي اطلاع بوده اند (مانند گنبد معبد پانتئون روم) (وزيري ،1369،ص231).معماران امپراطوري روم،معماري طاقي را در ابعاد بزرگ و براي مكانهاي عمومي،خصوصي و مذهبي ابداع كردند. روميان نه تنها به قابليتهاي بصري قوسها وطلاقها به عنوان فرمهاي بصري توجه داشتند، بلكه به روشي تحولي نيز قابليتهاي فضاي داخلي را دريافتند كه عظمت و وسعت فضاهاي داخلي معماري آنان ،بازتابي بود از عظمت ووسعت امپراطوري آنها.

در زمينه پيكرسازي نيز ،هنر رومي به نمونه هاي اوليه هلني متكي بود و به تدريج قدرت وتوان نافذ خود را بسط وگسترش داد. با توجه به آثار به جاي مانده از بمبئي مي توان اظهار داشت كه از سده اول ميلادي نقاشي رومي به سبك زيبا و مخصوص به خود دست يافت.

اما هنر رومي را نخست بايد تحت تاثير هنر اتروسكي و يوناني است كه به تدريج به ويژگيهاي خاص ومتمايز خود دست يافت. در دوران جمهوري روم است كه به تدريج اين هويت مشخص ظهور مي يابد(گشايش،1384،صص 54)

1. -Edith Hamilton [↑](#footnote-ref-1)
2. -Sallust [↑](#footnote-ref-2)